



بدون آرمین به توکیو نمی‌رفتم

« مرهاشم حسینی »

سختی و چه رقابت‌های دشواری را پشت سر گذاشته و حالا هم در شرایطی قرار گرفته که از همه‌ی این روزها سخت‌تر است.

آرمین الان نیاز به حمایت دارد. نیاز به بسیج امکانات دارد و هر جا و به هر شکلی که ممکن است باید اعزام شود و تحت درمان قرار بگیرد. این وظیفه‌ی وزارت ورزش و کمیته‌ی ملی المپیک است که او را به بهترین شکل برای درمان آماده کنند.

آرمین یک سرمایه‌ی ملی است که نباید حسرت از دست دادن او را در این المپیک بخوریم. المپیک بعدی، سه یا چهار سال دیگر برگزار می‌شود و کسی نمی‌داند چه اتفاقی رخ می‌دهد. سهمیه گرفتن در توکیو بسیار سخت و پیچیده شده است و بازگشت او به دوره‌ی بعد المپیک، چندان آسان به نظر نمی‌آید.

اگر الان از آرمین حمایت نشود، چهار حسرت برای او و تکواندوای ایران باقی می‌ماند؛ چهار سالی که معلوم نیست چه اتفاقی در آن رخ می‌دهد.

باید در این فرصت باقیمانده، همه کمک کنند که آرمین خیلی

زود برگردد. نمی‌دانم روش‌هایی که برای حضور در المپیک مطرح می‌کنند جواب می‌دهد یا نه. محمد باقری معتمد، با همین وضعیت به المپیک رسید و نقره هم گرفت و با دیگر تکواندوکاران مثل بهنام اسبقی و علیرضا نصرآزادانی هم با همین وضعیت سال‌ها مبارزه کردند، اما امکان اینکه الان هم این وضعیت برای آرمین فراهم شود، کمی سخت و دور از ذهن به نظر می‌آید.

ان شرایط با گذشته خیلی فرق کرده و شرایطی که کرونا به وجود آورده، بسیار پیچیده است و شاید همین موضوع اجازه ندهد روش‌های درمانی گذشته باز هم تکرار شود، اما باین‌حال از مسئولان ورزش این توقع وجود دارد که حتی یک لحظه را هم از دست ندهند و برای بهبودی آرمین تلاش کنند.

مصدومیت، بخشی از ورزش پربرخورد تکواندو است. شما در این ورزش مدام با یک فرد در حال مبارزه و درگیری هستید و هر آن ممکن است که این مبارزه منجر به مصدومیت شود.

بنابراین موضوع عجیبی نیست که یک ورزشکار با مصدومیت سختی روبه‌رو شود. در گذشته هم خیلی از قهرمانان با این مشکل روبه‌رو شدند و حالا اتفاقی که برای آرمین افتاده هم همین است.

در این ورزش نمی‌توان منتظر اتفاقات این‌چنینی نبود. هر آن ممکن است که یک ورزشکار دچار مشکل آسیب‌دیدگی شود؛ این جزئی از ورزش است. موضوعی که مهم است، بی‌توجهی به ورزشکار مصدوم است؛ این جای تعجب دارد.

در همه جای دنیا، ورزشکاران ممکن است مصدوم شوند اما بعد بلافاصله حمایت و درمان می‌شوند. موضوعی که در اینجا ناراحت‌کننده است، رها شدن ورزشکار به امان خداست. اگر از آرمین به‌خوبی حمایت می‌شد، الان اوضاع بسیار بهتری داشت و کار به اینجا نمی‌رسید.

رابطه‌ی من با آرمین، فراتر از هم‌تیمی بودن و رفاقت است. من و آرمین در اردوهای تیم ملی و در مسابقات مختلف با هم زندگی کردیم. با هم بزرگ شدیم و اینجا هم قرار نیست که من به‌تنهایی به توکیو بروم. ما هرجا رفتیم با هم بودیم و با هم در یک اتاق بودیم و با هم زندگی کردیم، بنابراین در توکیو هم چنین خواهد بود.

خیلی خوب او را می‌شناسم و مطمئن‌ام در مقابل این روزهای سخت مثل یک کوه مقاومت می‌کند و خیلی زود و با قدرت به میادین برمی‌گردد.

عزم و اراده‌ی او را دیدم. گرفتن سهمیه المپیک کار آسانی نبود، اما با قدرت و تلاش بی‌نظیر به سهمیه رسید.

حال این روزهای آرمین را من درک می‌کنم، چون می‌دانم چه زحمتهایی کشیده که به المپیک برسد. چه تمرین‌های

تو هم دو تا روس. فکر می‌کنید کدام یک از اینها حریف سخت‌تری باشند؟

در المپیک حریف ضعیف وجود ندارد. شاید ورزشکاری باشد که بنا به دلیلی نتواند داشته‌هایش را خوب نشان بدهد، اما حریف ضعیف وجود ندارد و هیچ ورزشکاری دست‌وپا بسته نیست. همه‌ی بازیکنان برای کسب سکو به المپیک می‌آیند و نمی‌شود گفت کدام خوب است و کدام بد.

ولی در مقابل کراهی‌ها شکست خوردید.

من به همه‌ی رقبایم احترام می‌گذارم و به‌عنوان یک بازیکن کامل می‌بینم و روی همه‌ی حریفان آنالیز انجام می‌دهم.

در این چند سال اخیر به دلیل قوانین فدراسیون جهانی، به مسابقات زیادی رفتید. کدام مسابقه سخت بود؟

بیشتر بازی‌هایی که رفتیم، واقعا سخت بودند و نمی‌شود یکی را انتخاب کرد. باید برای رسیدن به المپیک در تمامی رویدادها با قدرت به میدان می‌رفتیم، چون در هر مسابقه‌ای ورزشکار به چالش کشیده می‌شود و مسابقه‌ی آسان وجود ندارد.

بزرگترین آرزوی هر ورزشکاری رسیدن به مدال طلای المپیک است و طبیعی است که چنین آرزویی داشته باشید.

نمی‌دانم طلای المپیک یا نقره و برنز، کدامیک می‌تواند مزد زحماتم را بدهند. من بزرگترین آرزوی ورزشی‌ام این است که بتوانم جواب زحمتهایی را که خودم کشیدم، بدهم.

حالا با کدامیک راضی می‌شوید؟ تا جایی که بتوانم روبه جلو حرکت می‌کنم.

الگوی ورزشی هم دارید؟ من از بازی چند نفر از بازیکنان لذت می‌برم که یکی از آنها، مهدی خدابخش بازیکن سابق ایران است.

از المپیک‌هایی، کدام یک را بیشتر دوست داشتید و به نظرت در کدام المپیک بهتر بودیم.

المپیک ۲۰۰۸ پکن را دوست داشتم. طلای هادی ساعی مهم بود. هم کاروان را نجات داد و هم اینکه خودش را به‌عنوان یک تاریخ‌ساز معرفی کرد.

در این ماه‌های اخیر نسبت به خیلی از کمبوها اعتراض وجود داشت؛ آیا اوضاع تغییر کرد؟

ما آنقدر از خواسته‌های خودمان گفتیم و چیزی تغییر نکرد که خسته شدیم و دیگر سعی می‌کنیم گلایه‌ای را مطرح نکنیم. وقتی قرار نیست این حرف‌ها به جایی برسد، بهتر است که ما هم خودمان به تمرینات و آماده‌سازی برای المپیک برسیم.

به‌عنوان سوال آخر؛ به دوران بعد از قهرمانی هم فکر کردید؟

من عاشق کارم هستم و بعد از دوران حرفه‌ای ورزشی، به‌حتم مربیگری را انتخاب می‌کنم، چون از کار لذت می‌برم.

مسابقه قرار گرفتند. این عالی بود. شرایط اردوها چطور بود؟ برگزاری اردو در شرایط قرنطینه و رعایت پروتکل‌های بهداشتی.

خب باید با این شرایط وفق پیدا می‌کردیم. خیلی کار سختی بود ولی چاره‌ای هم نبود. حتی الان هم بعید می‌دانم به این زودی‌ها از شر کرونا رهایی پیدا کنیم. در توکیو هم وضعیت همین است و بعد از بازی‌های توکیو هم به احتمال زیاد این شرایط را داریم و باید سعی کنیم خودمان را با این شرایط وفق بدهیم. اوضاع اردو مناسب و شرایط ما هم خوب است و فکر کنم هر روز بهتر از روز قبل باشد.

همیشه نزدیک المپیک‌ها این سوال پیش می‌آید که فضای تکواندو المپیک است یا نه؟

اصلا فضایی نمی‌بینم. از چند ماه پیش این موضوع را مطرح کردیم که فضا المپیک نیست و کسی توجه نکرد و الان هم دیگر به پایان خط رسیدیم. اینجا اوضاع هیچ‌وقت به آن معنا المپیک نبوده، اما الان با کرونا شرایط بدتر هم شده است. البته ما سعی می‌کنیم روی هدفمان متمرکز باشیم تا این چیزها.

رفتن به المپیک که هیچ‌کس به فکرش نیست، سخت است. به‌خصوص اینکه دو المپیک قبلی هم با شکست همراه شده.

بازی‌های المپیک هرگز قابل پیش‌بینی نیست. نه آن دو المپیک قبلی که به‌گفته‌ی شما نتایج خوب نبود، قابل پیش‌بینی بود و نه المپیک لندن. ولی مطمئن باشید من و میرهاشم حسینی با تمام وجود مبارزه می‌کنیم و برای هدفمان که رسیدن به مدال طلاست می‌جنگیم.

طبق جدولی که در رنکینگ است، دو کوره‌ای رده‌ی اول و دوم را دارند. بعد هم که یک ایتالیایی و یک اسپانیایی و در رده‌های پایین‌تر از

